

بازخوانی قیام نهم دی سال ۱۳۵۷ شمسی در تربت حیدریه

حسن شمس آبادی^۱

چکیده

شهرستان تربت حیدریه واقع در استان خراسان رضوی از معدود شهرهایی است که به علت دارا بودن موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، در گذر زمان شاهد حوادث و رویدادهای بی‌شمار و البته دارای اهمیت بوده است؛ از جمله در اثر رهبری علما و همچنین همراهی توده‌های مردم، ۴۳ روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، امور شهر به دست نیروهای انقلاب افتاد و سازمان‌های نظامی و امنیتی به اجبار شهر را ترک کردند. سؤال پژوهش این است که بسترهای قیام نهم دی ماه ۱۳۵۷ش چگونه فراهم شد و چه تأثیراتی در روند پیروزی انقلاب در تربت حیدریه برجا گذاشت؟ در این پژوهش با استفاده از آرشیوهای سندی، کتابخانه‌ای و خاطرات شفاهی و با روش توصیفی و تحلیلی، قیام نهم دی مورد واکاوی قرار داده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که روند تند رویدادها در روز نهم دی ماه که به شهادت حداقل نه نفر انجامید، حرکت انقلاب را به سمتی وسوسه‌ی هدایت کرد که نیروهای انقلاب توانستند بر امور مسلط گردند. پیروزی سریع انقلاب در تربت حیدریه، بازتاب وسیعی در سطح استان و حتی در دیگر شهرها داشت و روحیه انقلابی‌گری را لااقل در شهرهای استان خراسان تقویت کرد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، تربت حیدریه، قیام نهم دی ماه ۱۳۵۷، پیامدها.

Rereading the Ninth of Dey 1978 uprising in Torbat-e-Heydariyeh

Hassan Shams Abadi¹

Abstract

Torbat-e Heydarieh, a city located in Khorasan Razavi province, is one of the few cities that, due to its geographical and strategic location, has witnessed numerous and significant events throughout history. Notably, 43 days before the victory of the Islamic Revolution, due to the leadership of scholars and the support of the masses, the city's affairs fell into the hands of revolutionary forces, and military and security organizations were forced to leave the city. The research question is: How were the foundations of the Ninth of Dey 1978 uprising laid, and what impact did it have on the course of the revolution's victory in Torbat-e Heydarieh? In this study, using archival documents, library resources, and oral memoirs, and employing a descriptive and analytical method, the Ninth of Dey uprising is examined. The results of the research indicate that the rapid course of events on the ninth of Dey, which resulted in the martyrdom of at least nine people, directed the revolutionary movement in a way that enabled revolutionary forces to gain control of affairs. The swift victory of the revolution in Torbat-e Heydarieh had a widespread impact at the provincial level and even in other cities, and it strengthened the spirit of revolutionary fervor, at least in the cities of Khorasan province.

Keywords: Islamic Revolution, Torbat-e Heydarieh, Ninth of Dey 1978 Uprising, Consequences.

1. PhD in the history of the Islamic Revolution

مقدمه

آشنایی با پیشینه جغرافیای تاریخی شهرهایی که انقلاب اسلامی در آنها به وقوع پیوست از موضوعاتی است که در حیطه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی می‌گنجد و از آن می‌توان با عنوان «تاریخ محلی انقلاب» نیز یاد کرد. اغلب شهرها و روستاهای دور از مراکز استان‌ها و به‌ویژه قم و تهران، به فراخور ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه‌ای که داشتند، بعد از اطلاع از نهضت امام خمینی و البته بعد از تبیین مبانی انقلاب از سوی شاگردان ایشان، با آن همراه و همگام شدند؛ هرچند که پیوستن آنها به انقلاب در این شهرها معمولاً دیر هنگام و از اواخر سال ۱۳۵۶ش آغاز شد. شناخت این قلمرو جغرافیایی بزرگ که حادثه مهمی چون انقلاب اسلامی در آن رخ داد جهت انجام پژوهش موضوعیت دارد، ضمن اینکه در قیاس با دیگر مباحث انقلاب، چندان که باید و شاید به آن پرداخته نشده است. با وجود آنکه در سال‌های اخیر درباره تاریخ محلی انقلاب در شهرهای مختلف، کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده است، اما متأسفانه آن‌چنان که شایسته است حق مطلب هنوز هم ادا نشده است. بررسی رخدادهای مهم تاریخی در جریان انقلاب اسلامی در تربت‌حیدریه از جمله همین موضوعات کمتر پرداخته شده است. حضور و فعالیت روحانیت مبارز تربت‌حیدریه و رفت‌وآمد و اعاض نام‌آشنا و همچنین تبعیدی‌ها به این شهرستان، فضای سیاسی شهرستان را تغییر داد و آماده وقوع انقلاب کرد. روز نهم دی‌ماه ۱۳۵۷ش نقطه عطفی در حوادث شهرستان تربت‌حیدریه بود. بعد از سقوط مجسمه شاه در این روز، روند حوادث به نفع نیروهای انقلاب شتاب گرفت و ۴۳ روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اختیار امور شهر تربت‌حیدریه به دست نیروهای مردمی افتاد.

پیشینه پژوهش

درباره قیام روز نهم دی‌ماه ۱۳۵۷ش در تربت‌حیدریه به جرأت می‌توان ادعا کرد که هیچ‌گونه پژوهش مستقلی که تمام ابعاد حادثه را مورد واکاوی قرار دهد تاکنون انجام نشده

است. هرچند اشاراتی مختصر در دو کتاب به آن شده است اما درمجموع آنها با پژوهش حاضر تمایزاتی دارد. نویسندگان براساس منابعی که در اختیار داشتند و حسب علائق شخصی و یا سازمانی به بخشی از رویدادها و حوادث شهرستان تربت‌حیدریه پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند تا زوایایی از فراز و نشیب‌های این کهن شهر را نمایان سازند. کتاب «دی قبل از بهمن، مروری بر نقش مردم تربت‌حیدریه در پیشگامی انقلاب اسلامی» اثر خانم اعظم حاجی‌پور، ازجمله اینهاست که در سال ۱۳۹۵ و از سوی انتشارات چشم‌انداز قطب منتشر شده است. نویسنده بعد از تشریح وضعیت تربت‌حیدریه در انقلاب مشروطه، در فصل سوم به نقش مردم و نخبگان این شهرستان در انقلاب اسلامی پرداخته است. وی با اشاره به آغاز نوسازی اقتصادی در دهه ۱۳۵۰، انتشار مقاله موسوم به رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات را اولین جرقه‌ی انقلاب اسلامی در تربت‌حیدریه دانسته است. مطالب او بیشتر کلی‌گویی است، زمینه‌ها و بسترهای دینی و مذهبی در شهرستان نادیده گرفته شده و محتوای کتاب اقتباسی از دیگر کتاب‌های مشابه است. آنچه نویسنده درباره قیام نهم دی‌ماه گفته، مختصر و البته کلیات است. اما مهم‌ترین کتابی که تاکنون درباره انقلاب اسلامی در تربت‌حیدریه نوشته شده؛ «حماسه نهم دی ۵۷؛ پیشگامی تربت‌حیدری در پیروزی انقلاب اسلامی» اثر حجت‌الاسلام محمدعلی رضایی است و چندین بار تجدید چاپ شده است. هرچند از عنوان کتاب برمی‌آید که به تبیین قیام نهم دی‌ماه پرداخته شده، اما درواقع این‌طور نیست. کتاب شرح مشاهدات نویسنده از جریان کلی انقلاب اسلامی در تربت‌حیدریه بوده و البته از این نظر ارزشمند است. کتاب همچون دیگر کتب خاطرات، دچار آسیب‌هایی چون خودمحور بودن راوی، روایت‌های یک‌طرفه و حاصل قضاوت‌های نویسنده است و دیگر منابع به‌هیچ‌عنوان دیده نشده است. با این تفصیل، وجه تمایز پژوهش حاضر با دو کتابی که قبلاً نوشته شده، استفاده از آرشیوهای اسناد، کتب خاطرات و منابع تاریخ شفاهی و ارائه گزارشی جامع از بسترها و روند قیام در تربت‌حیدریه است.

موقعیت جغرافیایی و تاریخی تربت حیدریه

شهرستان تربت حیدریه از جمله شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که در فاصله ۱۴۵ کیلومتری از شهر مشهد واقع شده است. وسعت شهرستان بالغ بر ۱۴۰ هزار کیلومترمربع است (رحیمی و قویدل، ۱۳۸۶: ۲). طبق قانون تقسیمات کشور در ۱۳۱۶ش، تربت حیدریه در دایره استان نهم (خراسان) قرار گرفت (آزادی، شماره ۱۴۰۱، مورخ ۱۲ دی ماه ۱۳۱۶). در سال ۱۳۸۶ این شهرستان شامل ۱۳ دهستان و ۶ شهر بود (فرهنگ جغرافیای آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳: ۴۲/۴۳-۴۱). از آنجا که تربت حیدریه در مسیر تجارت، بازرگانی و فعالیت‌های ترانزیتی واقع شده و ارتفاعات کوه سرخ در شمال تربت حیدریه همواره چون سدی دفاعی در مقابل نیروهای احتمالی مهاجمین به شمال خراسان عمل می‌کرد، در طول تاریخ پایگاه‌های نظامی متعددی با هدف ممانعت از یورش‌های بی‌وقفه مهاجمان احداث شد (صفایی، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

اسم سابق و تاریخی تربت حیدریه، زاوه بوده است. در متون جغرافیایی قدیم، زاوه جزو توابع نیشابور یاد شده است (ابن رسته، ۱۳۸۰: ۲۰۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۶۷). در حال حاضر زاوه از جمله توابع شهرستان تربت حیدریه است. بنا بر نقل مشهور سکونت قطب‌الدین حیدر در زاوه و وفاتش در سال ۶۱۸ ق باعث شد تا به علت جایگاه رفیعی که او نزد همگان داشت، زاوه به تربت حیدریه تغییر نام دهد (قدک‌ساز، ۱۳۷۱: ۷۷). نام تربت حیدری یا تربت حیدریه، نخستین بار در نیمه اول قرن نهم هجری با عنوان «قریه تربت مقدسه مزار شیخ قطب‌الدین حیدر» در ولایت زاوه و مَحَوَلات ضبط شده است (حافظ ابرو، ۱۹۸۲م: ۴۱). به احتمال زیاد و بنا بر شواهد و منابع تاریخی، جایگزین شدن نام «تربت» به جای «زاوه» به اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم برمی گردد.

تغییر فضای سیاسی تربت‌حیدریه در اثر فعالیت جریان‌های مذهبی

مشخصه شهرستان تربت‌حیدریه در دهه ۱۳۵۰ش فعالیت مدارس علمیه متعدد بود. مدرسه علمیه مزار قطب‌الدین، مدرسه علمیه شیخ یوسفعلی، مدرسه علمیه فولاد، مدرسه علمیه مقیمی و مدرسه علمیه بایگ، تنها بخشی از مدارس علمیه این شهرستان بودند. طی سال‌های مدید علمای سرشناسی در این مدارس پرورش پیدا کردند. هرچند اغلب فعالیت‌های مدارس به برپایی مجالس درس و در رسیدگی به امور شرعی مردم خلاصه شده بود، اما طلبه‌ها بعد از فراگیری دروس ابتدایی حوزه، برای ادامه تحصیل راهی مشهد و قم شدند. آنها در سال‌های آخر عمر حکومت پهلوی با بازگشت به زادگاهشان، مفاهیم و محتوای انقلابی را منتقل و در بین اقشار مختلف مردم گسترش دادند، همچنان که هیئت‌های مذهبی در اغلب مناسبت‌های دینی فعالیت داشتند. هیئت متحده ابوالفضل، هیئت متحده حسینی وابسته به محله شیب، هیئت متحده حیدری وابسته به محله قدیمی صدر و برزار و هیئت متحده علی‌اکبری، اسامی چهار هیئت دینی بود که در محلات مختلف تربت‌حیدریه فعالیت داشتند (تهرانچی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). مراسم دعا و برپایی روضه‌های خانگی در مناسبت‌های دینی هم امری معمول بود (محمدعلی رضایی، ۱۳۷۷/۳/۱۰). علاوه بر مدارس علمی مخصوص برادران، در تربت‌حیدریه برای تحصیل زنان و دختران هم دو مکتب عصمتیه و مکتب نرجس وجود داشت. طی هماهنگی که از سوی دو تن از علمای انقلابی شهر، آیت‌الله سید محمدباقر طباطبایی و حجت‌الاسلام شیخ عبدالله امامی انجام می‌شد، از مدرسین خانم دعوت به عمل می‌آمد تا در این دو مکتب تدریس کنند (زنان مبارز مسلمان به روایت اسناد، پرتوی از فعالیت‌های مبارزاتی، ۱۴۰۳: ۶/۲). با گذشت زمان، طلبه‌های خانمی که در این دو مکتب رشد یافتند، خود موسس و مبدع تشکیلات و جلسات دیگری شدند و به نشر معارف اسلامی در راستای مبارزه با حکومت پرداختند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۱۳/۴۱۰). این دو مکتب حتی توانست همسران نیروهای نظامی و

ارتش را نیز به خود جلب کند(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۶/ ۲۱۰). در جلساتی که از سوی دو مکتب و با حضور وعاظ برپا می‌شد، سخنران‌ها اغلب «اظهارات ضدملی و میهنی» بیان می‌کردند (زنان مبارز مسلمان به روایت اسناد، پرتوی از فعالیت‌های مبارزاتی، ۱۴۰۳: ۲/ ۲۵۶). فعالیت‌های سیاسی آنها چنان بود که واکنش ریاست ساواک خراسان را در پی داشت. او در حکمی به ادارات تابعه چنین دستور داد «به‌طورکلی جمعیت عصمتیه و مکتب نرجس به‌شدت مشغول فعالیت می‌باشند. بایستی کلیه انجمن‌ها و گروه‌های مذهبی با کسب اجازه شهربانی باشد. خواهشمند است دستور فرمایید در صورتی که انجمن و گروه مذهبی وجود دارد که از آن اداره کسب اجازه ننموده است، از هرگونه فعالیت و اجتماع آن جلوگیری نموده...» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۶/ ۱۹۷).

رفت و آمد وعاظ انقلابی به تربت حیدریه

دعوت از وعاظ معروف به تربت حیدریه کلاً فضای سنتی و غیرسیاسی حاکم را تغییر داد و شهرستان را آماده ورود به عرصه سیاسی کرد. در مناسبت‌های مختلف طلبه‌های مرد و زن از حوزه علمیه قم و مشهد برای آموزش علوم دینی و قرآن دعوت می‌شدند. هماهنگی آنها از سوی دو بیت آیت‌الله سیدمحمدباقر طباطبایی و حجت‌الاسلام شیخ عبدالله امامی انجام می‌شد. این موضوع را رضا معینی استاندار وقت خراسان به ساواک اعلام کرد. وی طرح‌ریزی و اجرای برنامه و اعزام مبلغین دینی به شهرستان را کار این دو تن دانست (مراسان، ش.بازیابی ۱۴۷، ص ۱۹). آیت‌الله طباطبایی فردی کاملاً متشّرع و ساده‌زیست بود که بعد از تحصیل در مشهد و نجف اشرف و نائل شدن به درجه اجتهاد به زادگاهش برگشت و به ترویج معارف دینی و تدریس خارج فقه و اصول پرداخت (سید مهدی مؤمنیان، ۱۴۰۲/۹/۲۶). او با امام در قم دیدار و درباره انقلاب گفتگو کرد(سید علی اکبر پاک سرشت، ۱۴۰۲/۷/۲۳). ایشان

از جمله رهبران معنوی و سیاسی انقلاب در تربت حیدریه بود. غیر از وی، ستون دیگر انقلاب در شهرستان، شیخ عبدالله امامی بود. اجداد او همگی جزو علما بودند. او هم در مشهد، قم و در نجف ادامه تحصیل داد. وی مؤسس مدرسه علمیه هراتی است، مکانی که از جمله پایگاه‌های انقلابی تربت حیدریه در قبل و البته بعد از انقلاب بود (مراسان، ۱۰۱۸۵: ۲۲ و ۲۳). بیت ایشان در ماه‌های آخر سال ۱۳۵۷ مأمّن افراد مبارز بود (عیسی مسافری، بخش اول، ۱۴۰۳/۱/۶). از ویژگی‌های سیاسی علمای تربت حیدریه این بود که همواره ارتباط آنها با علمای مشهد و قم برقرار بود. چنان‌که از سوی آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی - از مراجع مشهد- وعظی جهت تبلیغ مسائل دینی به تربت حیدریه اعزام می‌شدند (تقویم تاریخ خراسان از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷: ۲۹۸). در تیرماه سال ۱۳۵۷ ساواک خراسان گزارش داد که چند طلبه زن از قم برای تبلیغ وارد شهرستان شدند و در منزل صدرالدین ربانی، از مدرسین مدرسه علمیه هراتی اقامت کردند، لذا لازم است رفتار و عملکرد آنها تحت نظر قرار گیرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۱۳/ ۱۱۲). حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، شیخ حسین انصاریان، شیخ احمد کافی، حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه از شاگردان آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله خزعلی برخی از وعظی بودند که یک الی چند بار به تربت حیدریه دعوت شدند. حضور و سخنرانی آنها بسیار تأثیرگذار بود (عزیز خالقی بایگی، مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۲). سخنرانی‌های وعظ این قدر جذاب بود که عده زیادی از اهالی، چون وعظ در شهرهای اطراف تربت حیدریه منبر داشتند، در مجالس حضور می‌یافتند (محمدامین وفاخواه، حاج محمدحسین معمار ادبی و حاج عباس عسکری، مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۸):

فعالیت‌های سیاسی تبعیدی‌ها در تربت حیدریه

علاوه بر نقش عمده وعظ در تبیین حرکت و نهضت امام خمینی، تربت حیدریه به علت دوری از مرکز، به عنوان یکی از تبعیدگاه‌ها مدنظر حکومت بود. اولین حکم تبعید در تربت حیدریه

برای آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی صادر شد (آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین محلاتی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۰: ۵۴/۱-۵۳). در حوادث پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ ایشان به همراه امام خمینی و آیت‌الله حسن طباطبایی قمی بازداشت و برای مدتی در تهران زندانی شد. در مردادماه این سال کمیسیون امنیت شیراز تصمیم به تبعید آیت‌الله محلاتی گرفت. علت این تصمیم به فعالیت‌های او در مساجد مختلف شیراز، تحریک مردم علیه حکومت و برهم‌زدن نظم و آرامش عمومی جامعه برمی‌گشت. بنابر رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شیراز، وی به شش ماه تبعید در تربت‌حیدریه محکوم شد. جهت رعایت مسائل امنیتی به ساواک مشهد دستور داده شد تا محلی برای سکونت ایشان اجاره و مبلغ اجاره و بیعانه هم از سوی ساواک مشهد پرداخت گردد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰، ۵۲/۳). در خردادماه سال ۱۳۵۷ هم حجت‌الاسلام سید محمد رئیسی از روحانیون منطقه گرگان به مدت یک سال به تربت‌حیدریه تبعید شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان گلستان، ۱۳۹۹: ۱۶۵/۳ و ۱۷۳؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۹/۶-۲۷). چون او وارد تربت شد، علمای تربت با او ارتباط برقرار و از وی در برابر مزاحمت‌های شهربانی حمایت کردند (رئیسی، ۱۳۸۷: ۳۲۸). رئیسی با وجود محدودیت، در مسجد جامع منبر رفت و با استناد به سخنان امام خمینی و دیگر مراجع قم، برپایی عید نیمه شعبان را تحریم کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۲۸۸/۱۳ و ۳۶۰). از دیگر تبعیدشدگان به تربت‌حیدریه؛ حسین سلیمانی و شیخ علی‌اکبر اسلامی تربتی بودند. این دو طبق رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان قم به تربت‌حیدریه تبعید شدند. بعد از مدتی محل اقامت اجباری سلیمانی به جیرفت تغییر پیدا کرد (آیت‌الله محمدصادق خلخالی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۴: ۳۵۹؛ انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۸: ۲۰۲/۸). رفت‌وآمد تبعیدی‌ها که عمدتاً به علل سیاسی و مخالفت با حکومت پهلوی تبعید شده بودند، به سیاسی‌شدن فضای تربت کمک رساند. اسناد گواه آن است که قشر جوان و نوجوان با آنها

ارتباط برقرار، و در جلسات مذهبی و سیاسی آنها شرکت می کردند. مجموع این فعالیت های دینی و سیاسی، فضای شهرستان کوچکی چون تربت حیدریه را آماده حوادث و رخداد های بعدی انقلاب اسلامی کرد.

اولین شهید انقلاب تربت حیدریه

در ماه های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، تظاهرات مردم تربت حیدریه هم شدت گرفت. راهپیمایی ها به صورت روزانه انجام می شد. روال معمول این بود که ابتدا در مسجد جامع مراسم سخنرانی برگزار و سپس جمعیت در سطح خیابان های اصلی شهر راهپیمایی می کردند. در تاریخ سوم آذر ۱۳۵۷ ش، حجت الاسلام سید اسماعیل سیف مطالب تحریک آمیزی ایراد کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱: ۹۶/۱). او از جمله وعاظ تربت حیدریه بود و طبق سیاهه ساواک، نامش در زمره وعاظ شهرستان تربت حیدریه قید شده بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱: ۹۶/۱). همچنین در لیست ساواک از وی با عنوان «محرکین درجه یک اعتصابات و اغتشاشات چند ماهه اخیر» یاد شده است (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۰: ۲۵۷/۱). در پایان هم جمعیت با سر دادن شعارهایی علیه حکومت و حمل پلاکاردها در خیابان ها به راه افتادند. در جریان اعتراضات این روز ۲۲ نفر بازداشت و برای شش نفر از آنها حکم جزای نقدی صادر شد (مراسان، ش. بازیابی ۱۴۷، صفحات ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۲۶). در روز پنجم آذرماه حدود ۹۰ درصد مغازه ها در شهرهای بیرجند، نیشابور، سبزوار و گناباد تعطیل بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱: ۲۲۵/۲). همچون رویه قبل، از حجت الاسلام شیخ رضا قاسمی از علمای مشهد، برای ایراد سخنرانی در تربت دعوت شده بود. قاسمی از نزدیکان و افراد مورد اعتماد بیت آیت الله قمی بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۳۸۷/۱۹). او جزو وعاظ

معروف مشهد بود. سخنرانی وی در تکیه معتمد واقع در عیدگاه در مشهد، از سوی ساواک ضدملی و تحریک‌آمیز خوانده شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۲۸۸/۱۹).

اما بعد از سخنان او در تربت‌حیدریه، جمعیت که تعداد آن در گزارش‌های مراکز نظامی بالغ بر دو هزار نفر تخمین زده شده است در خیابان فردوسی شروع به حرکت کردند. از آنجاکه برپایی هرگونه تظاهرات در ماه محرم ممنوع اعلام شده بود، مأمورین شهربانی تربت‌حیدریه جهت متفرق کردن جمعیت وارد عمل شدند و سعی کردند با استفاده از گاز اشک‌آور و آب‌پاشیدن روی مردم، آنها را متفرق سازند. استمرار حضور و شعارهای ضدحکومتی مردم در خیابان‌ها باعث یورش مأمورین به‌سوی جمعیت و مجروح شدن پنج نفر و شهادت رضا عسکری اولین شهید دانش‌آموز تربت‌حیدریه گردید (احمد رضا کاشمیری، ۱۳۷۸/۵/۲۸). شهادت او بازتاب وسیعی در شهرستان تربت و حتی در استان خراسان داشت. شهادت شهید عسکری باعث فروریختن هیمنه رژیم و حضور گسترده‌تر اهالی تربت در خیابان‌ها شد. به‌طوری‌که فرماندار شهرستان روزهای بعد از این حادثه با ارسال نامه‌ای به استانداری خراسان تقاضای ارسال نیروهای کمکی کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۲۰۴/۱۸). در روز تشییع پیکر اولین شهید تربت‌حیدریه نیز راهپیمایان بعد از دفن شهید در بهشت عسکری، که به نام او نام‌گذاری شد، در مسجد جامع تجمع و حجت‌الاسلام محمدباقر فرزانه برای آنها سخن گفت. تشییع‌کنندگان در بازگشت از بهشت عسکری با مأمورین شهربانی درگیر شدند به‌طوری‌که آنها به گاز اشک‌آور و تیراندازی هوایی برای متفرق ساختن مردم متوسل شدند.

نهم دی‌ماه، عاشورای مردم تربت‌حیدریه

شهادت دانش‌آموز رضا عسکری، باعث حضور پررنگ فرهنگیان و دانش‌آموزان در راهپیمایی‌های انقلاب شد. اقشار مختلف مردم در سطح شهر و حتی در روستاها آماده مقابله با

نیروهای حکومتی بودند. شایعاتی مبنی بر ورود مخفیانه اسلحه به تربت‌حیدریه و مسلح شدن انقلابیون هم در سطح شهر پیچیده شده بود که وحشت و هراس نیروهای انتظامی را به دنبال داشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰، ۳۲۱/۱۸). اقدامات و فعالیت‌های گسترده که در راستای پیروزی انقلاب اسلامی در تربت‌حیدریه و روستاهای اطراف مانند جلگه رخ، قلعه، گرماب و مظفریه صورت گرفت، (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان شمالی، ۱۴۰۱: ۳/۳۱۷). موجب گردید تا در جلسه شورای تأمین استان خراسان که در ساعت ۲۲/۳۰ روز شانزدهم آذرماه تشکیل شد، برقراری حکومت نظامی در آن شهرستان و شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت‌حیدریه و کاشمر تأیید و برای اجرا به وزارت کشور ارسال گردد (شمس‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۳۴).

جریان حوادث انقلاب در تربت‌حیدریه به اوج خود در دی‌ماه نزدیک می‌شد. حادثه زمانی رقم خورد که تعدادی از نیروهای انقلابی تصمیم به پایین کشیدن مجسمه شاه به‌عنوان نماد سلطنت گرفتند. در گزارش‌های به‌جامانده از ساواک، خبر پایین کشیدن مجسمه شاه در ماه‌های قبل هم درج شده است. در یک مورد فردی معمم به نام مدرسی همراه عده‌ای با حرکت در خیابان‌های تربت‌حیدریه و شعار دادن علیه دولت و سلطنت و سپس تجمع در مسجد جامع، اهالی را به پایین آوردن مجسمه شاه در فلکه ششم بهمن تحریک کرد. (مراسان، ش.بازیابی ۱۴۷، ص ۵۱). این خبر زمانی قوت گرفت که شهربانی خراسان اعلام کرد قرار است در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۸ جمعیت زیادی از مشهد جهت انجام تظاهرات و تخریب پیکره شاهنشاه آریامهر به سمت تربت‌حیدریه حرکت کنند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۲۱/صص ۱۵ و ۲۲).

با انتشار خبر، رئیس شهربانی خودش را به بیت آیت‌الله طباطبایی رساند و از او خواست جهت ممانعت از هرگونه شورش و کشته شدن افراد از این کار جلوگیری کند. ایشان در جواب شهربانی گفتند: «شاه رفتنی است، اگر برگشت که خود ایشان دوباره مجسمه را از

طلا خواهند ساخت، اما اگر از دماغ کسی خون بیاید مردم انتقام خواهند گرفت.» (سید علی طباطبایی،^۱ مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۸). طبق برنامه‌ریزی قبلی که شده بود، در این روز مردم تربت‌حیدریه طی یک راهپیمایی هماهنگ و باشکوه به طرف میدان مجسمه (میدان شهدای کنونی) به راه افتادند. از روستاهای اطراف هم اهالی خود را به شهر رسانده بودند تا در این کار مشارکت کنند. حجت‌الاسلام محمدعلی رضایی از افراد حاضر در این حادثه، چنین روایت کرده است: «درگیری در مقابل بانک سپه و بانک ملی که ساختمان آن به پایان نرسیده بود از جانب پلیس شروع شد. بدون اخطار به طرف مردم تیراندازی کردند، مردم شعار دادند: شاه جنایت می‌کند ارتش حمایت می‌کند. حمله نیروهای مردمی به پلیس شروع شد» (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۴). با مجروح شدن تعدادی از راهپیمایان، تعدادی از جوانان انقلابی تصمیم گرفتند با مخفی شدن در پشت ماشین کمپرسی، و حرکت به جلو به مجسمه نزدیک گردند. با غفلت مأمورین و در فرصتی مناسب، مصطفی امامی توانست سیم بکسل را به گردن مجسمه بیندازد، اما با اصابت گلوله مستقیم شهید و به پایین پرتاب شد. با حرکت ماشین به عقب، مجسمه شکست و به زمین افتاد. مأمورین شهربانی که شاهد این حادثه بودند با دستور فرمانده به‌سوی مردم شلیک کردند. در اثر تیراندازی به‌سوی مردم در این روز، نه نفر به شهادت رسیدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آمار شهدا و مجروحین حادثه
درباره آمار شهدا و مجروحین قیام نهم دی‌ماه مردم تربت‌حیدریه نقل‌های مختلفی در منابع تاریخی و اسناد وجود دارد. روزنامه کیهان تعداد شهدای روز نهم دی‌ماه را ۱۵ نفر و تعداد مجروحین را ۲۷ نفر اعلام کرد (کیهان، ۱۳۵۷/۱۰/۱۶، ۷). در برخی از منابع تعداد

۱. نوه آیت‌الله طباطبایی

کشته‌شدگان هفت نفر و زخمی‌ها ۳۷ نفر اعلام شد (گزارش زمستان ۵۷، ۱۳۷۲: ۱۲۸-۱۲۷). روزنامه آیندگان تعداد شهدا را نه نفر و تعداد زیادی مجروح اعلام کرد (آیندگان، ۱۳۵۷/۱۰/۱۷، ۹). در گزارش سرلشکر دانش فرمانده ناحیه ژاندارمری خراسان به تولیت آستان قدس رضوی هم تعداد شهدا ۱۰ نفر اعلام شده است. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان جنوبی، ۱۴۰۱: ۲/ ۴۳۳). حجت‌الاسلام مهدی یعقوبی نماینده دوره دوم تربت در مجلس شورای اسلامی، در جلسه ۵۷ مورخ ششم آذرماه ۱۳۶۳، تعداد شهدای انقلاب تربت را یازده نفر اعلام کرده است (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، ص ۱۰۹۱). در اسناد موجود در بیمارستان نهم دی تربت تعداد شهدای حادثه که اسامی آنها مشخص شده است، هفت نفر و اسامی پنج نفر هم مشخص نشده قید شده که در این صورت تعداد کل شهدا دوازده نفر اعلام شده است (آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران تربت‌حیدریه، بدون شماره). در روزنامه خراسان، منتشر شده بعد از پیروزی انقلاب، تعداد شهدای این حادثه شانزده نفر و مجروحین هفده نفر اعلام شده است (خراسان، ۱۳۶۵/۱۱/۲۰، ۳).

بازتاب قیام

قیام نهم دی‌ماه تربت‌حیدریه در شهرستان‌های استان خراسان و حتی در کشور بازتاب فراوانی به دنبال داشت (کدی، ۱۳۸۶: ۲۳۷) و به‌عنوان یک نقطه عطف در حافظه تاریخ مردم تربت‌حیدریه برای همیشه ثبت شد. بعد از شهادت شهدای این روز در تربت‌حیدریه تغییرات اساسی ایجاد گردید، ازجمله نام برخی از مکان‌ها تغییر داده شد. گورستان شهر به نام نخستین شهید تربت‌حیدریه، بهشت عسکری نامیده شد، خیابان‌های رستاخیز و ۲۸ متری نیز به ترتیب به امام خمینی و دکتر علی شریعتی تغییر نام داده شد. هنرآموزان هنرستان صنعتی نیز نام این هنرستان را آیت‌الله طالقانی نامیدند (اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۱۱، ۳).

نماینده مردم تربت در مجلس شورای ملی هم با محکوم کردن حوادث شهرستان، از ریاست مجلس تقاضا کرد که در نامه‌ای به دولت در خصوص حوادث اخیر تذکر جدی داده شود. همچنین «اعزام هیئتی برای رسیدگی و تعقیب مسببین و محرکین و عاملین رویدادهای مذکور در شهر تربت به مرحله اجرا درآوردند، زیرا در صورت تسامح و تعلل حوادث خونین دیگری رخ خواهد داد» (مهر ایران، ۱۳۵۷/۱۰/۲۴، ۱). ازجمله عللی که هادی تربتی نماینده مردم تربت‌حیدریه در تذکر خود به آن اشاره کرد ازدست‌دادن سرپرستان خانواده و سرگردان‌شدن فرزندان شهدای قیام بود.

روز ۱۳۵۷/۱۰/۱۱، از طرف آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی اعلامیه‌ای در ارتباط با حوادث و وقایع اخیر شهر مشهد و همچنین وقایع دیگر شهرهای استان خراسان منتشر و در برخی از نقاط شهر مشهد توزیع گردید. ایشان در این اعلامیه به حوادث و رویدادهایی که در چند روز اخیر به‌ویژه در روزهای نهم و دهم دی‌ماه مشهد اتفاق افتاده بود و همچنین به حوادث شهرهای تهران، تبریز و تربت‌حیدریه پرداختند (گزارش زمستان ۵۷، ۱۳۷۲: ۱۳۱). او با اعلام روز دوازدهم دی‌ماه به‌عنوان عزای عمومی، از مردم خواست تا در مراسمی که به همین مناسبت در مسجد گوهرشاد برگزار خواهد شد شرکت نمایند (آیت‌الله‌العظمی سید عبدالله شیرازی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۵: ۴۵۷). آیت‌الله قمی هم با صدور اعلامیه‌ای به مناسبت حوادث اخیر مشهد در روزهای نهم و دهم دی‌ماه، به اقدامات فجیع حکومت در شهرهای مختلف ازجمله در تربت‌حیدریه اشاره و به خانواده‌های بازماندگان شهدا تسلیت گفتند (خراسان، ۱۳۵۷/۱۰/۱۸، ۵).

وقوع این حادثه و تسلط نیروهای انقلاب، باعث دلگرمی در دیگر شهرستان‌ها شد. روز شنبه شانزدهم دی‌ماه، حجت‌الاسلام محمدتقی عبدوس از وعاظ معروف که در مسجد میرنشانه در کاشان منبر می‌رفت، در اجتماع مردمی که برای بزرگداشت شهدای مشهد، قزوین و دیگر شهرها و بزرگداشت شهید اکبر نقاده برپا شده بود، به قیام مردم تربت‌حیدریه اشاره و بیان

کرد که هفت روز است اختیار شهر به دست نیروهای انقلاب افتاده است و هیچ مأمور انتظامی در شهر وجود ندارد (کیخا، ۱۳۹۶: ۲۶۲).

پس از پیروزی انقلاب و با گذشت سال‌ها از این حادثه همچنان مجالس یادبودی به یاد شهدای این واقعه تلخ در تربت حیدریه برگزار می‌شد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۱۰/۱۰، ص ۴). برپایی تظاهرات و ایراد سخنرانی به همراه حمل پلاکاردهایی از شهدای حادثه بخشی از فعالیت‌های این مراسم سالانه بود (مراسن، ش.بازیابی ۹۴۷۵، ص ۵۲).

سقوط شهربانی و پیروزی انقلاب در تربت حیدریه

با سقوط مجسمه شاه که به شهادت و مجروح شدن تعدادی از اهالی تربت انجامید، وضعیت سیاسی تربت حیدریه تغییر یافت و بحرانی شد. بعد از این حادثه، فرماندار شهرستان از امیر عزیزی، استاندار وقت خراسان، درخواست افزایش نیروهای نظامی را مطرح کرد. او وضعیت را کاملاً بحرانی توصیف کرد و افزود که در صورت عدم افزایش نیروهای امنیتی، امکان برقراری دوباره نظم در شهر مشکل و حتی غیرممکن است (مراسن، ش.بازیابی ۱۴۷، صص ۷۹-۸۰). نیروهای مردمی که از اتفاقات رخ داده به شدت عصبانی بودند، تصمیم گرفتند اداره شهربانی را تصرف کنند. در همین زمان تعدادی از مأمورین شهربانی گروگان گرفته شده و خلع سلاح گردیدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۸۴/۲۱). حتی گفته شده که روز بعد از حادثه، جعفر جعفرزاده از درجه داران شهربانی به قتل رسید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، ۱۴۰۰: ۱۱۳/۲۱). مأمورین شهربانی که از وضعیت پیش آمده وحشت کرده بودند، ساختمان را تخلیه کردند و به پادگانی نظامی در خارج شهر منتقل شدند (عیسی مسافری، بخش اول، ۱۴۰۳/۱/۶).

سه روز بعد از قیام نهم دی ماه اعلام شد که «شهر تربت حیدریه کاملاً در اختیار مخالفین بوده» منازل پرسنل شهربانی در شهرستان تربت با بلدوزر با خاک یکسان شده است (انقلاب

اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۶: ۱۷۹/۲۳ و ۷۴). در نتیجه خانواده‌های نیروهای شهربانی به اجبار تربت را ترک کردند. در این زمینه روزنامه آیندگان توصیفی جالب به این شرح ارائه کرده است: «نگهبانانی که از میان جوانان انتخاب شده‌اند از دروازه‌های شهر پاسداری می‌کنند و کنترل اوضاع شهر را نیز در دست دارند. در اوایل هفته قبل افراد ژاندارم و ارتش به عنوان همبستگی با ملت، عکس‌هایی از آیت‌الله‌العظمی خمینی با خود داشتند و بر سر در ژاندارمری و فروشگاه ارتش عکس‌های پارچه‌ای بزرگی از آیت‌الله‌العظمی خمینی نصب کردند» (آیندگان، ۱۳۵۷/۱۰/۱۷، ص ۹). کمیته‌های مردمی با حمایت و راهبری روحانیت شکل گرفت تا در اسرع وقت ضمن پایدار شدن امنیت در شهر، نهادهای انقلابی تأسیس گردد. عزیزالله حامی دادستان تربت‌حیدریه با همشهریانش همراه شد. او حتی برای پاسداری از محله محل زندگی‌اش اعلام آمادگی کرد. دادستان تربت‌حیدریه در پاسدارخانه که توسط مردم اداره می‌شد حضور یافت و تقاضای کشیک شبانه نمود (اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۰/۲۶، ۲). کمیته‌های مردمی جهت کمک‌رسانی به اهالی فعال شدند. ابوالقاسم تقی‌پور مسئول یکی از همین کمیته‌های مردمی بود که مایحتاج مردم را فراهم و جیره‌بندی می‌کرد. جهت حفظ امنیت شهر هم کمیته‌ای به نام «کمیته رزمندگان» شکل گرفت. خبر در اختیار قرار گرفتن امور شهر در دست مردم تربت بازتاب زیادی به دنبال داشت (کدی، ۱۳۸۶: ۲۳۷) و در شهرهای دیگر بازگو و باعث دلگرمی انقلابیون شد (کیخا، ۱۳۹۶: ۳۵۴). این گونه بود که بعد از ماه‌ها تلاش و ۴۳ روز قبل از پیروزی کامل انقلاب اسلامی، انقلاب در تربت‌حیدریه به پیروزی رسید.

نتیجه‌گیری

شهرستان تربت‌حیدریه با وجود دوری از مشهد و دیگر شهرهای بزرگ استان خراسان، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بود و در نهضت امام خمینی با آن همراه شد. بسترهای این همراهی را بایستی ابتدا در فضای دینی و سنتی مردم شهرستان جستجو کرد. مدارس علمیه متعدد و فعالیت‌های دینی علما و فضایی تربت‌حیدریه، صدها طلبه را پرورش داد. این طلبه‌ها بعد از فراگرفتن دروس ابتدایی حوزه، راهی شهرهای مشهد و قم شدند. اینان در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی حامل پیام‌های انقلاب و انتقال تجربه‌های انقلابی به همشهریان‌شان بودند. علاوه بر حوزه‌های ویژه برادران، طلبه‌های خانم در دو مکتب عصمتیه و نرجس آموزش دیدند. طبق اسناد ساواک درباره فعالیت‌های دینی و سیاسی این دو مکتب، وعاظ معروف انقلابی در جلسات دعا و روضه‌خوانی زنانه شرکت و ضمن بیان مسائل اعتقادی، مباحث سیاسی و اخبار روز کشور را بیان می‌کردند. حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، محمدباقر فرزانه، شیخ حسین انصاریان، شیخ احمد کافی، آیت‌الله خزعلی و ... برخی از این وعاظ بودند. تبعید چند تن از علمای انقلابی به شهرستان تربت‌حیدریه و فعالیت‌های سیاسی آنها فضای سیاسی جدیدی را در تربت‌حیدریه حاکم کرد. با شهادت اولین شهید انقلاب در روز اول محرم، مصادف با ۱۱ آذر ۱۳۵۷ش، هراس مردم از نیروهای نظامی فرو ریخت و آنها را نسبت به اقدامات ناسنجیده حکومت خشمگین ساخت.

اوج فعالیت‌های انقلابی در تربت‌حیدریه در روز نهم دی‌ماه سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد. در این روز تاریخی، مجسمه شاه به‌عنوان آخرین نماد سلطنت پهلوی پایین کشیده شد، هرچند بهای آن سنگین بود و به شهادت حداقل نه نفر و مجروح شدن تعدادی از مردم تربت‌حیدریه منجر شد. دامنه قیام و قساوتی که مأمورین حکومتی از خود نشان دادند آن‌چنان وسیع بود که وعاظ و سخنرانان روی منابر آن را نقل کردند. اما با پایین کشیدن مجسمه شاه، عمر حکومت پهلوی در این شهرستان، ۴۳ روز مانده به پیروزی انقلاب به پایان رسید. بعد از قیام نهم

دی‌ماه، امور شهرستان به دست نیروهای انقلاب افتاد. این مسئله روحیه انقلابی‌گری را در اذهان نیروهای انقلاب تقویت و آنها را در ادامه نهضت مصمم‌تر کرد. بدین‌ترتیب بعد از مدت‌ها تلاش، انقلاب در تربیت حیدریه پیروز شد.

کتابنامه

الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، ش. بازیابی ۱۴۷، ۱۰۱۸۵ و ۹۴۷۵.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان جنوبی، ج ۱ و ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۴۰۱.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی، مجلدات ۱، ۳، ۴، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۴۰۰.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان شمالی، ج ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۴۰۱.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان گلستان، ج ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۹.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۲۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۶.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۶، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۸، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸.

آرشیو بنیاد شهید و امور ایثارگران تربت حیدریه، بدون شماره.

آیت‌الله شیخ بهاءالدین محلاتی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۰.

بازخوانی قیام نهم دی سال ۱۳۵۷ شمسی در تربت حیدریه..... ۱۱۷

آیت الله محمدصادق خلخالی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۴.

زنان مبارز مسلمان به روایت اسناد، پرتوی از فعالیت های مبارزاتی، ج ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۳.

ب: کتاب

احمد بن عمر بن رسته (ابن رسته)، اعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.

آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۵.

تقویم تاریخ خراسان از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، به کوشش غلامرضا جلالی، حسین طاهری وحدتی و عباسعلی قلی زاده، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

تهرانچی، محمدمهدی، قند و قروت در مردم نگاری تربت حیدریه، مشهد، انتشارات سخن گستر، چ اول، ۱۳۸۸.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، تاریخ حافظ ابرو، ج ۲، (بخش جغرافیای خراسان)، چاپ کرافولسکی، ویسبادن، ۱۹۸۲م.

رحیمی، حسین؛ قویدل، غلامرضا و محسن نیا، جواد، جغرافیای شهرستان تربت حیدریه، مشهد، انتشارات اقلیدس، چ اول، ۱۳۸۶.

رضایی، محمدعلی، حماسه نهم دی ۵۷ پیشگامی تربت حیدری در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، سروش هدایت، ۱۳۸۶.

رئسی، سید محمد، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین سید محمد رئیسی گرگانی، گرگان، انتشارات پیک ریحان، چ اول، ۱۳۸۷.

شمس آبادی، حسن، انقلاب اسلامی در نیشابور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲.

صفایی، محمدجواد، کتابنامه تربت حیدریه، بخشداری مرکزی، ۱۳۷۷.

فرهنگ جغرافیای آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، جلد ۴۳، تهران، وزارت دفاع، اداره جغرافیائی ارتش، ۱۳۶۳.

قدک‌ساز، محمدرضا، **وجه تسمیه شهرهای ایران،** تهران، انتشارات قومس، ۱۳۷۱.

کدی، نیکی آر، **ریشه‌های انقلاب ایران،** ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات علم، ۱۳۸۶.

کینجا، موسی، **پایان مجسمه؛ فرهنگ مردم کاشان در انقلاب اسلامی،** قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۶.

گزارش زمستان ۵۷، به کوشش جلیل جبّاری، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲.

لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، ص ۱۰۹۱.

مقدسی، محمد بن احمد، **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم،** ج ۲، تهران، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.

پ: نشریات

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۷۳، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۱.

روزنامه آزادی، شماره ۱۴۰۱، مورخ ۱۳۱۶/۱۰/۱۲.

روزنامه آیندگان، شماره ۳۲۵۷، مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۷.

روزنامه جمهوری اسلامی، سال ۳، شماره ۷۴۹، مورخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۰.

روزنامه خراسان، شماره ۱۰۸۷۷، مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲۰.

روزنامه خراسان، شماره ۸۵۴۷، مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۸.

روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۰۵، مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۶.

روزنامه مهر ایران، شماره ۴۶۷۶، مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۴.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۶۱، مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۶.

ت: مصاحبه‌ها

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با احمد رضا کاشمیری، مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۸

بازخوانی قیام نهم دی سال ۱۳۵۷ شمسی در تربت حیدریه..... ۱۱۹

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با حجت الاسلام محمدعلی رضایی، ج ۲، شماره کاست ۲۴۳۰، مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۰.

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با محمدامین وفاخواه؛ حاج محمدحسین معمار ادبی و حاج عباس عسکری، مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۸.

آرشیو تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، مصاحبه عزیز خالقی بایگی، ج ۱، فایل صوتی شماره ۹۷۵۴، مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۲.

مصاحبه با آقای سید علی طباطبایی، مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۸.

مصاحبه با سید علی اکبر پاک سرشت، مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۳.

مصاحبه با سید مهدی مؤمنیان، مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۶.

مصاحبه با عیسی مسافری، بخش اول، مورخ ۱۴۰۳/۱/۶.



۰۱۳۰۲۰۵۶

به ریاست شهرداری استان خراسان
شماره ۱۳/۹۳۴۸
تاریخ ۱۱/۷/۵۱
پوست
از ساواک استان خراسان
معاونت امور اداری

در باره شیخ احمد ضیافتی کافی.....

عطف به ۳۹۰ - ۲۵ - ۵۷ - ۵۱/۷/۱۰ - اطلاع واصله

حاکمی است که یاد شده شهید و تربت حیدریه به بنیادین برود

خواهشمند است دستور فرمایند منابع نامبرده را تحت کنترل

قرار داده و نتیجه را باین ساواک اعلام نمایند

رئیس ساواک استان خراسان - شیخان

لر زلف

در تاریخ ۱۴/۷/۵۱

۵۱/۷/۱۴

۵۱/۷/۱۴
۴۶-۱۱۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سند شماره ۱

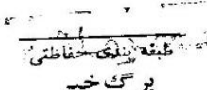
سخنرانی شیخ احمد کافی در تربت حیدریه

وزارت کشور
استاداری خراسان

۵۵۰ م
۵۷, ۱۷

$$\begin{array}{r} 10 \text{ } \cancel{0} \text{ } \cancel{0} \text{ } \cancel{0} \\ \hline 10 \text{ } \cancel{0} \text{ } \cancel{0} \end{array}$$

مدرسه پروین آن شهرستان


۱۴۲۱۲۵

طبقه بندی حفاظتی
برگ خبر

نسخه شماره از
 ۱- به فرستادن این خطا من مشهور و حوجه
 ۲- از:
 ۳- شماره:
 ۴- تاریخ:
 ۵- پیوست:
 ۶- تاریخ وقوع:
 ۷- ملاحظات حفاظتی:
 ۸- گیرندگان:
 ۹- فرستادن:
 ۱۰- موضوع:
 ۱۱- عطف/پیرو:

خبرگزاری ها کیست ساعت ۱۰۰۰ روز ۵۷/۸/۲۸ مراسم سنگ رسمی در
 سالن شهرداری شهرستان تربت حیدریه انجام و در شهرک کیه کیه و
 بهمنون برای ملی سه روز تعطیل نموده و حدود ۲۰۰ نفر از روحانیون مرگ
 کسبه و دانش آموزان مبادرت به تظاهرات و راهپیمایی و دادن شعارهای
 مضه نموده اند که پس از مدتی اگر مقامات مربوطه با روحانیون جمعیت پس
 مسجد جامع شهرستان مزبور رفته و پس از سخنرانی شیخ عبدالله امامی
 متفرق شده اند ۰۰٪

۱۲۵

ارزیابی خبر:
 نظریه:
 طبقه بندی حفاظتی:

سند شماره ۳
 رتال جامع علوم انسانی

اعلام سه روز عزای عمومی در شهرستان تربت حیدریه و تظاهرات جمعی از روحانیون و
 دانش آموزان در خیابانها

۱۰۱۸۵۰۰۰۲۲

۵۷-۱-۹۴۰
۵۴۱,۲۵

از بنده و خدام
برای تسکین روح و جان
مدینه شریف و کربلا

بروینار ۵۷-۱-۹۴۰
۵۴۱,۲۵

برای تسکین روح و جان
مدینه شریف و کربلا

دفتر جنت نام ندرت طبعه و در ضرب رتبه خدام از ادارات و اوقاف مجری
معمول حراته و رتبه و در ضرب رتبه و در ضرب رتبه و در ضرب رتبه
معمول حراته و رتبه و در ضرب رتبه و در ضرب رتبه و در ضرب رتبه
جنت آسمانی اعلام کرد

از بنده و خدام
برای تسکین روح و جان
مدینه شریف و کربلا

۵۴۱,۲۵

برای تسکین روح و جان
مدینه شریف و کربلا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سند شماره ۴

گزارش شهربانی استان خراسان به ریاست ساواک آن استان درخصوص مخالفت شیخ عبدالله

امامی با نام نویسی طلبه های مدرسه هراتی در حزب رستاخیز

۳۹۸۲/م
۱۳۵۷/۶/۱۱

۰۰۴۷۰۱۹
استادری خراسان

تیمسار سررتبیب شیخان

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت خراسان

بپیوست فتوکپی نامه های شماره ۳۰۴/م مورخ ۳۷/۶/۲ و شماره ۳۰۷/م مورخ ۳۷/۶/۳ فرمانداری شهرستان تربت حیدریه ((درمورد برنامه سخنرانی چند نفر طلبه جوان که باتفاق چند نفر زن برای تبلیغات سوء بایمن شهرستان آمده اند ویا نظرد و نفر روحانی پیرایمن شهرستان بنام طباطبائی و امامی طرح ریزی و اجرا میگرد)) جهت استحضار و صدور دستور انجام هرگونه اقدام لازم ایفاد میگردد .

از طرف استاندار خراسان

رضا معینی

۱۹

سند شماره ۵

گزارش رضا معینی استاندار وقت خراسان به شیخان رئیس ساواک در خصوص اقدامات آیت الله سید محمدباقر طباطبائی و شیخ عبدالله امامی درباره فعالیت های تبلیغی و اعاظ مدعو به تربت حیدریه



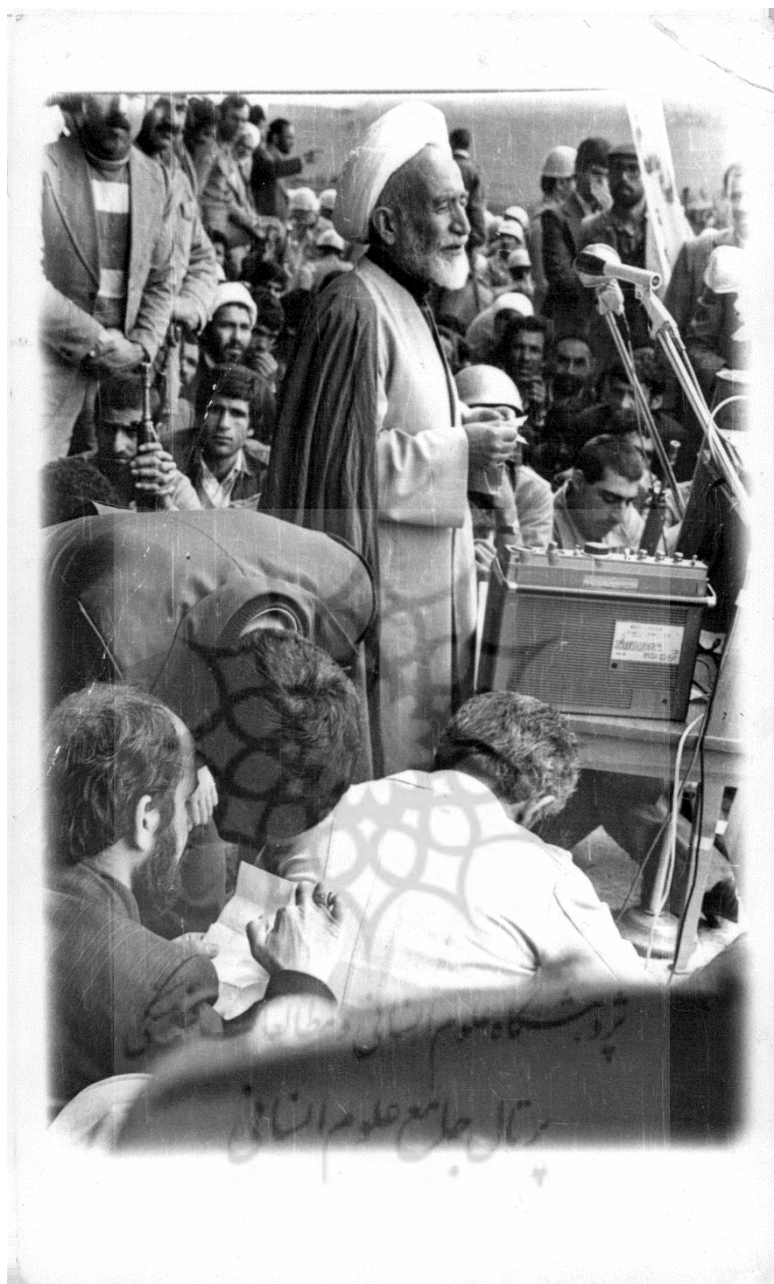
شهید حسنعلی پاکروان، از شرکت کنندگان در درس احکام حجت الاسلام ربانی، در مسجد جامع تربت حیدریه و در حال گرفتن جایزه بابت کسب مقام اولی می باشد. جایزه توسط حجت الاسلام سید ابراهیم ربانی به ایشان اهداء گردید.



تظاهرات مردم تربت حیدریه در ایام محرم سال ۱۳۵۷- در عکس حجج اسلام سید ذبیح الله حسینی و سید حسن ربانی در صف اول تظاهرات و به همراه دیگر روحانیون شهرستان حضور دارند.



راهپیمایی مردم شهرستان تربت حیدریه قبل از نهم دی ماه در سال ۱۳۵۷- در داخل ماشین و پیشاپیش تظاهرات آیت الله سید محمد باقر طباطبایی و شیخ عبدالله امامی حضور دارند.



سخنرانی شیخ عبدالله امامی برای جمعی از اهالی تربت حیدریه